

# هو الله العزيز المحبوب - بشیر اشارات پر بشارات که از...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۳

## هو الله العزيز المحبوب

بشیر اشارات پر بشارات که از مصر وفا عزم کوی جانان نموده در محفل دوستان بروائح طیبه قیص محبت جمال رحمن حاضر گشت صد هزار شکر محبوب عالمینرا که عباد مخلصین را در کلّ اوان در بحور فضل و احسان مستغرق فرموده و بتائیدات غیبیه مؤید ای حمامه حدیقه عشق در حین تکلم و محاوره بشطر عزیز احدیه توجه نما البتّه در آن ساعت تائیدات الهامات الهیه میرسد و جنود لم تروها از سماء حق نازل میگردد

از اخبار ظهور جمال احمدی که بالحن جلیل در حدیقه انجیل مذکور سؤال رفته بود بدانکه ظهور آن نیر اعظم و کوکب مکرم در انجیل بکمال وضوح مشبوت و مذکور است ولکن از این جهت که الحان بدیع ورقاء احدیه را جز نفوسی که بر معین صافیه علم و عرفان وارد ادراک ننمایند لذا ناس از ادراک معانی آیات جلیله انجیل محروم گشته‌اند و در تیه وهم و هوی حیران و سرگردان شده‌اند از جمله مواضعی که در انجیل ذکر حضرت احمدی شده در انجیل یوحنا باب شانزدهم از آیه هفتم تا آیه پانزدهم است که بافصح عبارة و اوضح اشاره بیان میفرماید این نص عبارت است که در انجیل یوحنا از لسان حضرت مسیح منقول و مسطور است

که میفرماید ”لکنی اقول لكم الحق انه خیر لكم ان اذهب لانه ان لم انطلق لا یأتیکم المعزی ولکن ان ذهبت ارسله الیکم و متى جاء ذلك ینکت العالم علی خطیئته و علی برّ و علی دینونه“ تا آنکه میفرماید ”لی امور کثیره لا قول لكم ولکن لا تستطیعون ان تحتملوا الآن و اما متى جاء ذاک روح الحق فهو یرشدکم الی جمیع الحق لانه لا



ORIGINAL



AUDIO

یتکلم من نفسه بل کَلِّها یسمع یتکلم به و یخبر کم بامور آتیه“ که خلاصه ترجمه آن این است که میفرماید صعود من بافق اعلی از برای شما بهتر است زیرا تا من بمقعد صدق عند ملیک مقتدر متعارج نشوم آن روح تسلی دهنده نمی آید چون صعود نمایم او را میفرستم و چون آن روح پاک در عالم خاک ظاهر شد الزام میفرماید ناس را بسه چیز بر گناه و نیکوئی و جزا بعد از چند آیه میفرماید امور و اسرار بسیار در خزینه قلب مستور مانده و لثالی حکمت ربّانیه در صدف سینه محفوظ و باقی مانده و لکن شما استطاعت استماع آن را ندارید و حمل این کلمه اعظم را نتوانید و اما چون آن روح حق ظاهر گردد ارشاد میکند شما را بر جمیع حقّ زیرا آنچه او میفرماید از نزد نفس خود نمیگوید بلکه آنچه استماع میفرماید تکلم میکند.

این يك نغمه از نغمات انجیل است که در خصوص نخر رسل نازل شده و لکن چون معشر انجیل در تیه ضلالت و عمی افتاده اند این تصریح من غیر تلویح را هیچ انگاشتند و بتأویلات موهومه تشبّث جستند و گفته اند که مقصود از این آیات روح القدس است که بعد از صعود حضرت مسیح بر حواریین نازل شده و این عادت کلّ امم است که از معانی محکم آیات الهیه چشم میپوشند و بتأویلات وهمیه متشابه متشبّث میشوند

حال شما ملاحظه فرمائید که چه قدر این قول سخیف و واضح البطلان است اولاً میفرمایند تا من نزوم او نمی آید این دلیل بر اینست که آن روح تسلی دهنده در زمان حضرت مسیح موجود نبوده بعد خواهد آمد و لکن روح القدس لم یزل ملازم آن حضرت بوده دیگر این معنی ندارد تا من نزوم او نمی آید و ثانی آنکه میفرماید که امور بسیاری هست که شما استطاعت استماع آن را ندارید که من بگویم و لکن آن روح مقدّس بیان میفرماید و بر تمام حقّ ارشاد میفرماید

حال ملاحظه فرمائید که در نزد مسیحین روح القدس اقنوم ثالث و روح الله مسیح اقنوم ثانی است بعد از آنکه از اقنومین اعظمین حجاب جهلیّه ناس خرق نشد و بنفحات قدسیّه این نورین اعلین موفق بر رشد و هدایت تامه نشدند بعد از صعود آن نیر اعظم اسرار مکنونه غیبیه و حکم خفیّه ربّانیه را از اقنوم ثالث که روح القدس است تلقی نمودند و مستطیع بر استماع و متحمّل گشتند و حال آنکه این واضح است که در ظلّ تربیت آن جوهر الجواهر و روح الارواح مع تأییدات روح القدس اگر نفسی تربیت نشود و سبحات ظلمتیه او بنار موقده ربّانیه محترق نگردد صد هزار سال نفعه روح القدس او را تاثیر نبخشد و هذا هو الحقّ المعلوم.

پس واضح و مبرهن شد که این آیه مبارکه دلیل بر آن است که بعد از جمال عیسوی روح مکرّمی و جمال اعظمی ظاهر میشود که تربیت او اعظم از تربیت روح الله است و ثالثاً میفرماید او من عند نفس خود بیان نمیفرماید بلکه مؤیّد بجنود وحی الهیه است و آنچه از ملکوت عزّت بسمع مبارکش میرسد بیان میفرماید ملاحظه کنید که چگونه واضح است که آن روح تسلی دهنده شخصی است که ملهم بالهامات سمائیه و منبع و معین وحی ربّانیه است زیرا روح القدس را سمعی نبوده که استماع نماید.

خلاصه کلام در مواضع دیگر نیز بسیار اشارات ظهور احمدی واضح است و اشاراتی که حواریین از توراة بظهور حضرت روح استدلال نموده‌اند ابداً باین تصریحی نبوده چنانچه اگر توراة مطالعه شود واضح و مبرهن میگردد و الیوم یهود نیز آن اشارات توراة را تأویلات میکنند و فی الحقیقه اشارات توراة حکم تلویح دارد نه تصریح ع ع

